

## دیدگاه‌های تازه درباره گرایش جوانان به مد

خانه هنرمندان ایران مجموعه نشست‌هایی در باب نشانه‌شناسی دارد که در هر جلسه، استادان به بررسی موضوعی خاص می‌پردازند.



خانه هنرمندان ایران مجموعه نشست‌هایی در باب نشانه‌شناسی دارد که در هر جلسه، استادان به بررسی موضوعی خاص می‌پردازند.

روز چهارشنبه هفتم خرداد نشست نشانه‌شناسی مد با حضور دکتر احمد پاکتچی و دکتر مرتضی بابک معین برگزار شد که در آن علل شکل‌گیری و پیروی مردم از مد و انواع آن مورد بررسی قرار گرفت.

### مد، عامل نظم بخشی به زمان اجتماعی

دکتر مرتضی بابک معین، استاد دانشگاه، بحث‌هایی نظری را از طریق اسلایدهای از پیش آماده شده مطرح کرد. در نگاه او پرداختن به موضوع مد با چهار مساله یعنی هویت، دیگری، زمان و تغییر همراه است که گرچه این کلمات در نگاه اول با یکدیگر بی‌ارتباطند ولی در نشانه‌شناسی، ارتباط درهم تنیده‌ای با هم دارند.

درباره ارتباط مد و تغییر باید گفت، تغییر یعنی شدن و در زمان زندگی کردن؛ یعنی خود را در موقعیتی قرار دهیم که هم از حضور خود در زمان حال لذت ببریم و هم این که خود را در بستری زمانی که می‌گذرد، دریافت کنیم. این تغییر آرزوشده، به شکل تناقض گونه‌ای به هویت ما مبدل می‌شود زیرا با شنیدن واژه هویت مفهوم ثبات در ذهن ما شکل می‌گیرد.

تغییر به این معنا نیست که با گذر زمان و تغییر ما، قسمی از وجودمان هم می‌میرد، بلکه برعکس، یکی از روش‌های تثبیت هستی و هویت ما در منظر خودمان و دیگری است. از این منظر مد یکی از فاکتورهای اساسی برای نظم دادن به زمان اجتماعی است. بعد زمانی در مد، بعد زمانی «ناب» نیست، بلکه بعد زمانی «زیسته» است.

مد عامل «احساس زنده بودن» برای پیروان خود است. در واقع، همراه کردن خود با مد و سپردن خود به شکل جمعی به مد، به نوعی «شناخت لحظه‌ای خود ضمن بودن با دیگری یا جمع» است. در همین جا بحث هویت و زمان در ارتباط با مد شکل می‌گیرد.

مد را نباید صرفاً در سطح زمانی مدنظر قرار داد. مد، فاکتور تقسیم و مفصل‌بندی اجتماعی است و حتی اگر باعث تفاوت‌های فاحش اجتماعی نشود، حداقل آشکارکننده این تفاوت‌ها به حساب می‌آید. اصطلاح «به مد بودن» نشانه طبقه اجتماعی مشخصی در جامعه است. حتی طبقات پایین‌تر نیز مدها و نشانه‌های مخصوص دارند که گرچه معمولاً در تعریف نشانه‌های مخصوص خود، از مد در طبقات بالاتر استفاده می‌کنند ولی در حقیقت آنها نیز نشانه‌های مخصوص خود و بدون وابستگی به طبقات دیگر دارند.

پس از این، لازم است به بحث مد و زمان و هویت پرداخت. در اینجا دو دیدگاه وجود دارد؛ نخست، نگاهی که ایستایی ذاتی کارکردهای اجتماعی و مقاومت در برابر تغییر، در آن مدنظر است. دوم، بینش ساختارگرا یا ترجیحا پساساختارگرا که بینشی تعاملی است که به جای اعتقاد به «نظام ایستای ارزش‌های ثابت و از پیش معلوم» به تولید پویای تمایز و تفاوت اعتقاد دارد. از این منظر نه هویت، نه علایق و نه میل و سلیقه، از پیش تعریف شده نیستند. فرض این است که اینها به لطف بازی بی‌پایان روش‌های تازه، پیوسته خود را بازآفرینی می‌کنند و این گونه خود را از دیگری متفاوت می‌کنند.

به بیان دیگر طبق این دورنمای تعاملی، انتظار اشکال تازه و بدیع مبتنی بر تنش بین گروه‌ها وجود ندارد. در بینش تعاملی انتظار امر تازه ترجیحا دال بر میل تثبیت هویت خود است، با تمایز ناب خود از دیگری؛ بی‌آن که بخواهیم این اشکال تازه را ارزشگذاری کنیم.

در هر صورت دنبال کردن مد یعنی قبول مارک‌هایی که با پذیرش آنها این محیط اجتماعی خاص به شکل‌گیری خود را تعریف می‌کند یا حداقل شخص می‌خواهد القا کند که من جزئی از محیط اجتماعی هستم یا حداقل دوست دارم به من به مثابه کسی نگاه شود که دوست دارد از فلان محیط اجتماعی خاص باشد. در اینجا مد، هم روشی برای بیان هویت است و هم روشی برای استتار هویت.

### مد به مثابه میثاق ناپایدار

این نشست با سخنرانی دکتر احمد پاکتچی با عنوان «مد به مثابه میثاق ناپایدار» ادامه یافت. استاد دانشگاه امام صادق تاکید کرد، منظور از میثاق در این مقاله، نشانه‌شناسی کدها و علت ناپایدار بودن آنها این است که سرعت جابه‌جایی بالایی دارند. دکتر پاکتچی در چند اسلاید نخست سخنرانی خود، به تاریخچه‌ای از مد با ذکر منابعی در این باره اشاره کرد.

بابک معین: دنبال کردن مد یعنی قبول مارک‌هایی که با پذیرش آنها شخص می‌خواهد القا کند که من جزئی از محیط

اجتماعی خاص هستیم یا حداقل دوست دارم به من به مثابه کسی نگاه شود که دوست دارد از فلان محیط اجتماعی باشد. در اینجا مد، هم روشی برای بیان هویت است و هم روشی برای استتار هویت

وی برای نمونه گفت از نظر آگوستین چلمل، مد در پوشاک نشانگر عادات ما در روابط اجتماعی است که به تجملات زندگی مربوط می شود.

از نظر زیمل مد پارادوکسیکال است زیرا بخشی از تضاد درونی فرهنگ مد است که از یک طرف به انتخاب فرد بازمی گردد و از طرف دیگر به همراهی جمعی او.

شاید معمولا مد را برای زنان به کار ببرند اما واقعیت این است که مد دایره بسیار وسیعی دارد و ما ناچاریم فقط با مدها زندگی کنیم. مد در مادی ترین تا فرهنگی ترین مسائل انسانی نمود دارد.

برای بررسی لازم است فهرستی از اموری را که در آن از مد پیروی می کنیم، فراهم آوریم که در نهایت به این صورت تنظیم می شود: اعضای بدن (فرم اندام، خالکوبی، پیرایش و آرایش)، وسایل همراه (لباس، عینک و حتی لوازمی مانند چسب بینی)، وسایل همراه (کیف دستی، قاب عینک، عصا، گوشی و حتی ساز موسیقی)، وسیله نقلیه، خوراک سفره آرایبی، آداب خوردن و آشامیدن، زبان، رفتار، نشان های هویت، نام گذاری، رشته های علمی و القاب.

درباره هر یک از این موارد می توان مثال هایی برای مد و دمه شدن بیان کرد. مثلا در گذشته به کسی که بسیار درس خوانده بود، «آمیرزا» می گفتند و این کلمه در آن دوره مد بود اما آیا امروز کسی حاضر است او را آمیرزا صدا کنند؟! اسم ها بشدت از مد پیروی می کنند. در همین فهرست می توان به بحث عمومی و خصوصی بودن امور که متعلق به ماست و در حوزه فرد و جمع مطرح می شود، اشاره کرد.

جالب است بدانید بعضی از اعضای بدن ما خصوصی به حساب می آیند و بعضی عمومی و اتفاقا این مساله در جوامع مختلف متفاوت است.

در بعضی مناطق چهره خانم ها جزو اعضای خصوصی بدن است که همه نباید آن را ببینند و در بعضی مناطق اتفاقا چهره آقایان نیز جزو اعضای خصوصی به حساب می آید و آنها هم از روبنده استفاده می کنند. بنابراین بحث عمومی و خصوصی بودن از این جهت، تا حدی فرهنگی است و صرفا مربوط به مسائل دینی نمی شود.

در کل، ویژگی های عمومی قابلیت مد شدن را دارند و جنبه های خصوصی اصلا چنین قابلیتی ندارند؛ مثلا کسی برای روده کوچک خود عمل جراحی انجام نمی دهد. بحث مد، ارتباط مستقیمی دارد با آنچه دیگران باید یا نباید ببینند.

هرچه از اعضای بدن دور شویم امکان عمومی شدن بیشتر می شود. به همین دلیل است که برای نمونه، وسایل همراه و نقلیه از حوزه های عمومی و تابع مد است.

یکی دیگر از مسائل مطرح در مد، هویت فردی و جمعی است. برای مثال، چهره افراد در دسته هویت های فردی قرار می گیرد. وقتی شخصی می خواهد تغییری در چهره اش ایجاد کند، در چالشی مهم به این پرسش می اندیشد که آیا صورت مادرزادی خود را نگه دارد یا خود را به شکل پسندهای اجتماعی تعریف کند. در مقایسه میزان آمارهای جراحی زیبایی چهره، به این نتیجه می رسیم که در اروپا چهره یک هویت دهنده مهم فردی است و شخص ترجیح می دهد چهره مادرزادی خود را نگه دارد تا امکان بازشناسی او در جامعه از سوی دیگران وجود داشته باشد. در مقابل، لباس و یونیفرم ها از جمله هویت های جمعی هستند. مثلا فردی که در پادگان کار می کند، نمی تواند یک روز صبح تصمیم بگیرد که با تیشرت در محیط کار حاضر شود.